

چالش‌ها و تجربه‌ها

چالش‌های آموزشی در دوره پیش دبستانی از منظر تجربه‌های شخصی یک مربی

● فاطمه محمدی لندی

● مربی پیش دبستان - استان خوزستان (ایذه)

اشاره

کودکی و به عبارت دیگر دوره پیش از دبستان دوره بسیار مهم و حساسی است و بالطبع از نظر آموزش و رشد اجتماعی نیز اهمیت بسزایی دارد. بر این اساس، در مقاله حاضر سعی شده است عوامل و چالش‌هایی که در آموزش‌های دوره پیش دبستانی نقش مهمی دارند، بررسی شوند. گفتنی است که این مقاله محصول تجربه شخصی نگارنده در نقش مربی است و امید می‌رود که بتواند گامی هر چند کوچک در شناسایی چالش‌های آموزشی این دوره بردارد.

کلیدواژه‌ها: فضای آموزشی - محتوای آموزشی - خانواده - مربی - چالش‌های آموزش - پیش دبستانی

فضای آموزشی

اصولاً مناسب بودن یا نبودن یک فضای آموزشی در گرو پاسخ این سؤال است که نشاط لازم را به نوآموز می‌دهد یا نه. از آنجا که بازی طبیعی‌ترین فعالیت بچه‌هاست و آن‌ها از طریق بازی خود را نشان می‌دهند، دنیای خود را کشف می‌کنند و درباره آن می‌آموزند، باید فضای لازم و مناسب برای بازی کردنشان وجود داشته باشد. اما از آنجا که فضای آموزشی این دوره با مدرسه‌های ابتدایی مشترک است، در عمل همیشه بازی‌ها به دلایل مختلف، از جمله مزاحمت برای دوره‌های تحصیلی بالاتر، قابل انجام نیست. همچنین، معمولاً وسایل بازی مناسب این گروه سنی نیز وجود ندارد. البته امکانات سرمایشی و گرمایشی، نور، تزئینات و ظاهر کلاس، کمیت و کیفیت نیمکت‌ها و عوامل دیگر نیز باید مناسب باشند تا کودک در مدت زمانی که در کلاس حضور دارد، هم نشاط داشته باشد و هم احساس آرامش کند. چه بسا مواردی دیده می‌شود که نیمکت کلاس مناسب جثه نوآموز نیست و او در تمام مدت نقاشی کشیدن، ایستاده کار می‌کند. بدیهی است که در این میان راحتی نوآموزان چپ‌دست را نیز نباید فراموش کرد.

براساس یافته‌های علم روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال‌های پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارند. در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر انجام می‌شود. اگر این دوره، آن‌گونه که پیامبر خدا فرموده‌اند، با عطف و مهرورزی و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، توانایی‌های آنان در جنبه‌های مختلف شکوفا می‌شود و پایه‌های اصلی شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد. ناگفته پیداست که هدف اصلی از برگزاری آموزش پیش از دبستان، رشد همه‌جانبه کودکان است. ما کارنکو معتقد است، شیوه آموزش و پرورش کودک در دوره پیش از مدرسه تعیین‌کننده موفقیت‌های تحصیلی او در دوران مدرسه است و مطمئناً سبب موفقیت‌های بعدی‌اش در عرصه‌های علمی و هنری می‌شود. بنابراین، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی - تربیتی که در دوره پیش دبستانی انجام می‌گیرند، بسیار مهم و مستلزم بررسی عوامل مختلفی هستند. در این مقاله سعی شده است برخی از چالش‌های مربوط به چهار عامل مهم در آموزش دوره پیش دبستانی شامل فضای آموزشی، کیفیت برنامه‌ها و محتوای آموزشی، نقش خانواده، و نقش مربی بررسی شوند.



کیفیت برنامه‌ها و محتوای آموزشی

قرار است کودک در این دوره مهارت‌های اجتماعی نظیر تعامل با همسالان، مهارت‌های خودیاری شامل رعایت نظم، مهارت‌های نوشتن مانند طرز صحیح گرفتن مداد و مهارت‌های حرکتی از جمله قیچی کردن و رنگ‌آمیزی را یاد بگیرد. پس مسلم است که برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی باید محتوای مناسبی داشته باشند تا بتوانند در رسیدن به این اهداف به‌نوآموز کمک کنند. البته برای نیل به این مهم، برنامه‌های آموزشی نباید تنها شامل مطالب ارائه شده در کتاب‌ها باشند، بلکه لازم است طیف گسترده‌ای از آموزش‌های مختلف را در برگیرند. در این راستا لازم است به نکاتی اشاره شود که با ذکر مثال اهمیت آن‌ها مشخص می‌شود:

● گاهی دیده می‌شود که اساس یک مبحث آموزشی برای کودک کاملاً ناشناخته است و لازم است در ابتدا کودک با توضیح یا نشان دادن تصویرهای مرتبط، با اصل موضوع آشنا شود تا بتواند شعر یا مفهوم کاربرگ را درک کند. این مسئله در جوامع کوچک‌تر، با توجه به سطح سواد خانواده‌ها و آشنا نبودن برخی کودکان با موضوعات مختلف، قبل از ورود به پیش‌دبستانی بیشتر مشهود است.

● چند وقتی است که در مراکز پیش‌دبستانی هر روز کاربرگ‌هایی با موضوعات مختلف به‌نوآموزان داده می‌شوند تا برای مثال با مشاغل، شخصیت‌ها، اعیاد و غیره آشنا شوند. این کاربرگ‌ها همیشه آموزنده به نظر نمی‌رسند و برای کودک صرفاً کاربرد رنگ‌آمیزی دارند. بنا به نوع مناسبت، گاهی بهتر است کودک را در قالب نمایش یا بازی با وظیفه‌ی مشاغل یا خصوصیات یک شخصیت آشنا کنیم. همواره کاربرگ مرتبط با موضوع ضروری نیست.

● اگرچه به نظر می‌رسد کودک قبل از ورود به پیش‌دبستانی حتماً در خانواده یا مهد کودک آموزش‌هایی دیده است، باید به یاد داشته باشیم که ممکن است این‌گونه نباشد یا لاقلاً همه افراد در یک سطح و به‌طور یکسان آموزش ندیده باشند. برای مثال، در فعالیت‌هایی که به استفاده از رنگ‌های خاصی مربوط است، گاهی می‌بینیم که نوآموز از رنگ‌های دیگری غیر از رنگ‌های خواسته شده استفاده کرده است. با پیگیری مسئله مشخص می‌شود که او با رنگ‌ها آشنا نیست. پس در ابتدا باید رنگ‌ها را به وی آموزش می‌دادیم. بنابراین، گاهی مربی باید برنامه‌هایی فراتر از برنامه‌های آموزشی ارائه دهد.

● با توجه به سطح هوش و توانمندی‌های متفاوت کودکان و همچنین وجود برخی اختلالات یادگیری در بعضی نوآموزان، علاوه بر اینکه گاهی لازم است هم‌زمان از چند شیوه آموزشی برای ارائه یک مطلب استفاده کنیم، لازم است این نکته را نیز در نظر بگیریم که از هر نوآموز باید به اندازه توانایی‌اش انتظار نظم، دقت و سرعت عمل در فعالیت‌ها را داشت. برای مثال، از نوآموز بسیار پرنرزی با شواهدی دال بر بیش‌فعالی، انتظار نمی‌رود که دفتر

نقاشی‌اش تمیز و مرتب باشد یا همیشه کارهایش را کامل و با دقت انجام دهد. چه بسا اگر چنین نوآموزی با توجه به سطح هوش بالایی که دارد گاهی بتواند این انتظار را برآورده کند، لازم است بسیار تشویق شود.

نقش بی‌بدیل خانواده

خانواده منشأ اولیه بیشتر آداب، عادت‌ها، عواطف و تربیت کودک است. علاقه به یادگیری، مهارت‌های نوشتن، حرف زدن، مطالعه و فکر کردن، همه در ابتدا در خانواده شکل می‌گیرند. در واقع، خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و والدین در بیشتر رفتارها اولین مربی فرزندان خود هستند. نگاه خانواده به تربیت و تحصیل فرزندان و برنامه‌ریزی در این‌باره که از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در موفقیت‌های آینده آنان است، هویت و ساختار شخصیتی کودکان را شکل می‌دهد. اما متأسفانه مشاهده می‌شود که هدف برخی والدین از فرستادن فرزندان خود به پیش‌دبستانی، صرفاً گذشتن وقت آن‌ها در خارج از منزل و رهایی چند ساعته از شیطنتها و کنجکاوی‌هایشان است. در واقع، این افراد نه‌تنها در یادگیری مهارت‌ها و آموزش‌ها هیچ‌گونه همراهی با نوآموز خود ندارند، بلکه تمام مسئولیت خویش در راستای تعلیم و تربیت کودک را نیز به عهده مربی می‌گذارند و حتی گاهی انتظار دارند که او کم‌کاری‌های آنان را هم جبران کند! چنین نگرشی از سوی خانواده‌ها، هم روند رشد همه جانبه کودک را، که مهم‌ترین هدف برنامه‌های آموزشی این دوره است، مختل می‌کند و هم گاهی باعث می‌شود برخی استعدادها و توانمندی‌های کودک نادیده گرفته شوند. این واقعیت را باید بپذیریم که قرار نیست تمام آموزه‌ها در مدرسه و واحدهای آموزشی پیش‌دبستان یا فقط با یادگیری در مدرسه به نوآموز منتقل شوند و حضور والدین در کنار مربی و همراهی با او در تعلیم مهارت‌ها یا کشف استعدادها لازم است. همچنین، گاهی مشاهده می‌کنیم که خانواده‌ها در فراهم کردن برخی امکانات ساده برای انجام برخی آزمایش‌ها یا همراهی نوآموزان در برگزاری جشن‌ها کوتاهی می‌کنند. بدیهی است که سطح توقعات مربی باید در حد توان مالی خانواده‌ها باشد، ولی متأسفانه در خانواده‌های متمکن هم کم‌کاری‌های سهوی و عمدی در این زمینه دیده می‌شود.

نقش مربی

در همه مشاغل، وقتی فرد براساس زمینه تحصیلی مرتبط کارش را آغاز می‌کند، انتظار موفقیت بیشتر است، اما وقتی پای موضوع مهم و حساس

تربیت کودکان به میان می‌آید، دیگر نمی‌توان تنها به تحصیلات مرتبط اکتفا کرد و خصوصیات دیگری نیز اهمیت می‌یابند؛ چرا که مربی نقش الگویی بسیار مهم و تأثیرگذاری در رشد و تربیت کودک دارد. در این میان، آنچه قرار است مورد بررسی قرار گیرد، معیارهای انتخاب مربی از سوی مسئولان نیست، بلکه وظایفی است که مربی بعد از پذیرش این شغل باید بپذیرد و در انجام بهینه آن‌ها بکوشد.

● انرژی بچه‌ها بیشتر از بزرگ‌ترها نیست و تحمل بازی‌ها و کنجکاو‌هایشان نیز نیازمند صبر و حوصله بسیار است. بنابراین، مربی قبل از پذیرش این شغل باید از علاقه و توانمندی خود به آن اطمینان حاصل کند؛ چرا که کار با کودک بسیار سخت است و صبر و شکیبایی زیادی می‌طلبد.

● گاهی مربی باید مادر شود؛ اگرچه تجربه مادر بودن را تا آن لحظه نداشته باشد. کودک مجموعه‌ای از سادگی‌ها و پیچیدگی‌های عاطفی خاص خود است و مربی در هر اتفاق خوب یا بد، باید با عواطف مادرانه او را درک کند و تشخیص دهد که حالا وقت چه واکنشی به کنش رفتاری کودک اوست. گاهی لازم است او را در آغوش بگیرد و به او محبت کند.

● باید به یاد داشت، همه برنامه‌های آموزشی زمانی به بهترین شکل تأثیر خود را می‌گذارند که اولاً مربی در یاددهی مفاهیم تربیتی و اخلاقی، به آنچه می‌گوید عامل باشد؛ به نحوی که این مفاهیم بیش از گفتار او در رفتارشان



تجلی داشته باشند. ثانیاً در ارائه مطالب، از شیوه‌های غیرمستقیم، با تأکید بر قالب بازی و سرگرمی‌های هدفمند، استفاده کند. بر این اساس، مربی علاوه بر داشتن نقش الگویی، باید اصل بازی محوری را در اولویت شیوه‌های آموزشی خود قرار دهد و در ارائه مفاهیم به نوآموزان از روش‌های مستقیم مرسوم مانند سخنرانی استفاده نکند.

هر کودکی سرشار از استعدادها و توانمندی‌های بسیار و البته خاص است که با هیچ کدام از همسالانش نباید قیاس شود. مشاهده شده است که برخی نوآموزان به رغم هوشمندی‌هایشان، گاهی مهارت زبانی کافی برای خواندن یک شعر یا تعریف کردن یک داستان را ندارند. بنابراین، مربی باید همواره آماده کشف موارد این چنینی باشد و هنرمندانه و در صورت امکان با کمک گرفتن از خانواده‌ها سعی در رفع این گونه ناتوانی‌ها داشته باشد.

گاهی نوآموزانی در کلاس هستند که به دلایل مختلف در روند یادگیری با سرعت بقیه همسالان خود پیش نمی‌روند. ریشه‌یابی اولیه مشکل آن‌ها بر عهده مربی هوشمندی است که متوجه این موضوع شده است. او در ابتدا می‌تواند با آزمایش‌های ساده قدرت بینایی و شنوایی نوآموز را بسنجد تا اگر ریشه مشکل در ضعف بینایی یا شنوایی است، برای رفع آن‌ها مسئله را با خانواده مطرح کند. برای نمونه، نوآموزی بود که با یک تست ساده مشخص شد مشکلش بینایی ضعیف است. موضوع با خانواده او مطرح شد و با استفاده از عینک، روند یادگیری

این نوآموز تغییر چشمگیری کرد. البته همیشه موضوع به این سادگی هم نیست و برای موارد پیچیده‌تر حتماً باید همراه خانواده نوآموز با یک کارشناس مشورت کرد.

نحوه برخورد با کودکان در دوران پیش‌دبستانی با توجه به مقتضیات روحی و روانی آن‌ها در اعتماد به نفسشان تأثیر زیادی دارد. بنابراین، شیوه‌های رفتاری مربی طی این دوره در افزایش یا کاهش اعتمادبه‌نفس و رشد اجتماعی و عاطفی نوآموزان بسیار مهم است. در این مورد می‌توان استفاده از فعالیت‌های گروهی مناسب را به مربی پیشنهاد داد.

ایجاد نگرش مثبت نسبت به محیط آموزشی را می‌توان با به‌کاربردن مجموعه‌ای از شیوه‌های آموزشی مختلف که نشاط و شادی به همراه داشته باشند، در کودک ایجاد کرد. چنان‌که مشاهده شده، در زمانی که کلاس خیلی شلوغ است، برخی نوآموزان احساس آرامش و امنیت نمی‌کنند و علاقه و انگیزه خود را به ادامه حضور در کلاس از دست می‌دهند. به‌عکس، زمانی هم که کلاس خیلی ساکت است، احساس اضطراب و نگرانی، انگیزه کودک را برای حضور در کلاس از او می‌گیرد. این موضوع در روزهای آغازین سال تحصیلی که کودکان تجربه جدایی از والدین

یا ورود به محیط جدید را ندارند، بیشتر به چشم می‌خورد.

همچنین، در مناطقی با گویش‌ها یا لهجه‌های محلی، مربی باید ضمن حفظ کرامت کودک و احترام به لهجه و گویش وی، به او بیاموزد که در محیط آموزشی بهتر است از کلمات دیگری استفاده کند تا بتواند با همه هم‌کلاسی‌هایش تعامل بیشتری داشته باشد. در مواردی مشاهده می‌شود که برخی نوآموزان به سبب استفاده از واژگان محلی که برای همه هم‌کلاسی‌ها قابل درک نیست، نتوانسته‌اند با آن‌ها تعامل داشته باشند و فقط در بازی‌های دسته جمعی که نیازی به ارتباط کلامی نیست با هم ارتباط دارند که البته این برای رشد اجتماعی و اعتمادبه‌نفس نوآموز کافی نیست.

فعالیت‌ها باید متناسب با هوش و توانمندی کودک و در راستای پرورش استعدادها و خلاقیت او باشند. در غیر این صورت، جمع‌آوری کارهای زیبا و چشمگیر کودکان، تنها برای داشتن سندی در پوشه کار مربی برای ارائه به مسئولان و والدین، کاری بیهوده خواهد بود. چه بسا گاهی لازم باشد بیشتر زمان کلاس را به آموزش موضوعی اختصاص دهیم که در محتوای آموزشی آن روز نبوده است، ولی برای نوآموزان مسئله شده و بهترین فرصت برای آموزش آن‌هاست. بنابراین، تهیه پوشه کار نباید در اولویت کار مربی باشد.

نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت، افزایش کیفیت تربیت و آموزش در دوره پیش‌دبستانی الزامات خاصی دارد؛ از جمله:

مسئولان باید محتوا، روش، فضا و تجهیزات تربیتی و آموزشی مناسبی را برای این دوره حساس در نظر بگیرند.

خانواده‌ها در تمام زمینه‌های آموزشی و تربیتی نوآموز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با مربی همراه باشند.

به نقش الگویی مربی توجه جدی شود؛ به طوری که افراد توانمند، علاقه‌مند و در عین حال عامل و الگو در تربیت، به‌عنوان مربی برای مراکز انتخاب شوند.

نکته مهم اینکه توجه به همه عوامل یاد شده در کنار هم، راه رسیدن به تمامی اهداف تربیتی و آموزشی پیش از دبستان را هموار می‌سازد.

منابع

۱. امانی، کیانوش (۱۳۹۱). فرایند یادگیری در مهدکودک. مؤسسه رایان قرآن مبین.
۲. اونق، خاطره؛ ثناگو، اکرم؛ جویباری، لیلیا و عظیمی، مریم (۱۳۹۴). مقایسه هوش، خلاقیت و پرخاشگری در کودکان دوم ابتدایی دارای سابقه آموزش پیش‌دبستانی و فاقد آن: مطالعه مورد-شاهدی، فصلنامه علمی پژوهشی کمیته تحقیقات دانشجویی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دوره ۱۸، شماره ۶۱.
۳. تقی‌پور، حسینعلی؛ کشاورز، روح‌الله و یوسف رشیدی، معصومه (۱۳۹۵). دوره پیش‌دبستانی گام اول پیشرفت تحصیلی، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد و علوم انسانی، گرjestان.
۴. جان نثار، فاطمه (۱۳۹۷). نقش قصه و بازی در رشد، خلاقیت و هویت‌یابی کودکان پیش‌دبستانی. همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش‌دبستانی، یزد.
۵. رجایی، زهرا (۱۳۹۵). نقش مهدکودک و پیش‌دبستانی در تربیت کودکان. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی آلمان.
۶. زارع، حسین (۱۳۸۶). بررسی کمی و کیفی فعالیت‌های مراکز آموزش پیش از دبستان و تدوین سیاست برای ارتقای سطح این فعالیت‌ها. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی دفتر شورای تعلیم و تربیت.